

## تروریستها به جنگ ((تروریسم)) می روند!

از شامگاه ۷ اکتبر بمب افکن های آمریکایی و انگلیسی، همچون کرکس مرگ، بر فراز شهرهای افغانستان به پرواز درآمده اند تا با هر اوجشان دهها انسان بی گناه را به خاک و خون بکشند، تا ویرانه ها را ویرانتر کنند و کودکان آواره را به زیر خروارها خاک مدفون کنند. آتش و دود و خون، شهرهای افغانستان را در بر گرفته است. این آغازی است بر دور نوینی از جنایات امپریالیستها به رهبری آمریکا. بار دیگر سازماندهندگان فجعترین کشتارهای انسانی، دست به دست هم دادند تا این بار محرومترین و ستمدیده ترین مردم دنیا را قربانی سیاست های سلطه طلبانه خود کنند و صفحه ننگین دیگری بر تاریخ جنایاتشان بیفزایند.

سران قتل و غارت، در خون غلتیدن ستمدیده ترین خلق ها را به بزم نشسته اند و از جوی خونی که به راه انداخته اند، باده فتح می نوشند. مغرور از «موفقیت چشمگیرشان» در کشتار مردم بی دفاع، به جهانیان فخر می فروشند که در این حملات از سلاحهای «مدرن» و «مفید» استفاده می کنند! بزدلانه اعلام می کنند که بمب افکنهایی که به جنگ دستان خالی مردم آواره افغانستان رفته اند، سالم به پایگاه بازگشتند!

می گویند ما با مردم افغانستان خصومتی نداریم! می گویند این جنگ علیه طالبان و بن لادن است، اما موشک هایشان خانه های مردم افغانستان را بر سرشان خراب می کند! شبانگهان باران مرگ می بارند و روزها بر گورستانهایی که به جای گذاشته اند نان قسمت می کنند! این یک جنگ تجاوزکارانه و ارتجاعی است! در این جنگ تجاوزکارانه اتحاد شومی میان امپریالیستها و دول مرتجع جهان شکل گرفته است. اینان علیه «تروریسم» متحد نشده اند، این اتحادی است علیه خلقهای جهان!

پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، دستگاه سیاسی - نظامی آمریکا و دیگر متحدین غربی اش کوشیدند تا از این حادثه بعنوان یک «فرصت طلایی» برای پیشبرد سیاستهایشان استفاده کنند، تا سلطه بلامنازعشان را برای به غارت بردن ثروتهای جهان و منطقه خاورمیانه، بدون هیچ محدودیتی اعمال کنند. به خون کشیدن مردم افغانستان بخشی از این نقشه است. می خواهند از جهانیان نسق کشی کنند. می خواهند ایجاد رعب و وحشت کنند تا صدای هر اعتراض را در چهار گوشه جهان خاموش کنند. می خواهند بار دیگر سروری خود را پیش چشم جهانیان به نمایش بگذارند. کسانی که صدها هزار انسان بی گناه را در بغداد، بلگراد، ویتنام، هیروشیما، اندونزی و... کشتار کردند بی آنکه خم به ابرو بیاورند، اکنون برای قربانیان ۱۱ سپتامبر، اشک تمساح می ریزند. با عریده کشی و گانگستریازی اعلام می کنند که «دیگر نمی توانند تروریسم را تحمل کنند!» گانگستر تگزاسی که تا کنون دهها زندانی را در آمریکا به تیغ اعدام سپرده و بیش از ۳۵۰۰ زندانی آمریکایی را در راهروهای مخوف به انتظار مرگ نگاه داشته، اکنون با ژست های فریبکارانه بر صفحه تلویزیون ظاهر می شود و می گوید «دیگر نمی تواند غم مردم آمریکا را تحمل کند!» دولت آمریکا که با تقویت و حمایت همه جانبه اقتصادی - سیاسی، اسرائیل را تا بدندان مسلح کرده و به جان مردم فلسطین و خاورمیانه انداخته، اکنون می خواهد با تروریسم مبارزه کند! پدرخوانده تروریست ها نوکران ریز و درشتش را که هر یک کارنامه ننگینی در کشتار و ترور و سرکوب مردم جهان دارند، به دنبال خود به راه انداخته تا به اصطلاح تروریسم را ریشه کن کند!

وقتی امپریالیست ها پرچم جنگ علیه تروریسم را بالا برند، وقتی آمریکا تروریست ترین دولت جهان پرچمدار این مبارزه شود، دیگر جای تعجب نیست که جمهوری اسلامی ایران یکی از سوگلی های این اتحاد شوم باشد! رژیم جنایتکار اسلامی که طی ۲۳ سال تروری لجام گسیخته و دولتی علیه مردم ایران اعمال کرده، اکنون قرار است تروریست ها را به مجازات برساند!! رژیمی که آتش بیار جنگهای داخلی افغانستان بوده، دو میلیون پناهنده افغانستانی را در ایران در بی حقوقی کامل نگاه داشته و با تبلیغ و ترویج شوینیسیم ایرانی و خلق افکار علیه افغانستانی های مقیم ایران بخشی از مردم را به جان آنان انداخته اکنون دلسوز مردم افغانستان شده و به بهانه مبارزه علیه تروریسم می رود تا دست در دست اربابان امپریالیستش جنایتی دیگر را علیه این خلق ستمدیده مرتکب شود.

دولت آمریکا سال هاست که از یک سو بر سر مردم بمب و موشک می ریزد، کودتاهای خونین طراحی می کند و رژیم های جنایتکار را حمایت می کند، و از سوی دیگر با تقویت سازمان های جاسوسی و امنیتی سعی می کند هر فریاد اعتراض را در گلو خفه کند تا هرچه بیشتر دنیا را تحت سیطره خود داشته باشد. اسامه بن لادن که اکنون بعنوان مظنون شماره یک در رابطه با واقعه ۱۱ سپتامبر معرفی شده، در دامان آمریکا پرورده شد، آموزش داده شد و بال و پر گرفت. سالها پیش، CIA برای مقابله با رقیب روسی در افغانستان، بن لادن را مسلح کرد و برایش پایگاه های نظامی ساخت، تا در این جنگ قدرت، به پیشبرد سیاست های آمریکا خدمت کند.

دایناسورهای طالبانی نیز به فرمان آمریکا، توسط دولتهای مرتجع منطقه همچون پاکستان و عربستان سعودی، از کنج مساجد و تالارهای وحشت هزار و چهارصد ساله بیرون کشیده شدند، حمایت و تغذیه شدند تا ثبات اقتصادی - سیاسی را برای منافع امپریالیست ها در منطقه فراهم کنند. آمریکا افعی طالبان را به جان مردم افغانستان انداخت تا امنیت لازمه را برای عبور لوله های نفتی از افغانستان تامین کند. مردم افغانستان سالهاست که تحت حکومت قرون وسطایی طالبان، به وحشیانه ترین شکل سرکوب می شوند و وحشت از صحنه های اعدام های هر روزه و قطع عضو، بخش لاینفکی از زندگی شان شده. هزاران نفر آواره کوهها و بیابانها شدند تا مفری بیابیند و از این وحشت بگریزند. هزاران زن به پستوی خانه ها رانده شدند و در اسارت دائم، به زیر گلیمی که حجاب نام گرفت، گرفتار آمدند. تجاوز به زنان و اعدام و مجازات آنان به جرم رعایت نکردن قوانین قرون وسطایی طالبان، جزء لاینفکی از عملکرد هر روزه جلادان طالبانی شد، اما هیچ یک از این جنایات، خشم جامعه «متمدن» غرب و مدافعان سینه چاک «حقوق بشر» را برنیا نگیخت. غربی ها در مقابل این وحشیگری ها نه تنها سکوت کردند، بلکه برای موجه جلوه دادن ارزشها و رفتار و قوانین ضد زن در کشورهای اسلامی، تئوری نژادپرستانه «نسبیت فرهنگی» را اختراع کردند و دلیل و برهان آوردند که مردم افغانستان بلحاظ تاریخی و فرهنگی، زن را برده می دانند و زنان نیز این بردگی را پذیرفته اند! امپریالیستها برای پیشبرد منافعشان، عقب مانده ترین و قرون وسطایی ترین مناسبات را در افغانستان تقویت و تحکیم کردند.

رئیس جمهور آمریکا که اکنون می خواهد منجی زنان افغانستان شود، از بدو به قدرت رسیدنش، بسیاری از مناسبات مردسالارانه و مذهبی منسوخ را در آمریکا احیا و قانونی کرده است. بوش که یکی از کارزارهای انتخاباتی اش، مخالفت صریح با سقط جنین بود و بسیاری از جریانات راست افراطی را تحریک کرد و زمینه را برای ترور پزشکان کلینیک های سقط جنین فراهم کرد، اکنون طرفدار رهایی زنان شده! یکی از اولین کارهای رسمی بوش پس

از رسیدن به ریاست جمهوری، حذف کلیه کمکهای دولت آمریکا به پروژه های بین المللی بهداشتی در رابطه با اطلاع رسانی در مورد سقط جنین و یا کمک به زنانی که سقط جنین می کنند، بود. این مروج پیگیر مردسالاری که با یک چرخش قلم در کاخ سفید، برای میلیونها زن تصمیم گرفت که بچه می خواهند یا نه، و زندگی میلیونها زن را به خطر انداخت، امروز به «نجات» زنان افغانستان می رود!

نه تنها بررسی کوتاهی از اعمال و سیاستهای تا کنونی این مدعیان «دلسوز»، نشان می دهد که هرگز در جهت رهایی زنان و تحقق خواستهای زنان گامی برنداشته اند، بلکه نگاهی به آترناتیوهای که برای حکومت آینده افغانستان در نظر دارند نیز زن ستیز بودنشان را بوضوح آشکار می سازد. هنوز مردم افغانستان از سایه شوم طالبان رهایی نیافته اند که سران چپاول و غارت به فکر آترناتیوی دیگر افتادند. آترناتیوی که بتواند پاسخگوی نیازهای امپریالیستها در منطقه باشد و در سرکوب توده ها حق نوکری را خوب بجا بیاورد! در این راستا قرار است ائتلافی مرکب از مرتجعین اتحاد شمال، ظاهر شاه از گور تاریخ بیرون کشیده شده، سران قبایل و بخش «تعدیل» یافته ای از طالبان شکل داده شود تا بار دیگر افغانستان بدست مرتجعین دست نشاندۀ سپرده شود. و بدین ترتیب آمریکا می رود تا علیه مردم افغانستان، جنگی دیگر آغاز کند و باز این زنان افغانستانی هستند که بیشترین تاوان را پس خواهند داد. این مرتجعین امتحان پس داده شاید بتوانند برای متحقق کردن منافع امپریالیست ها انتخاب خوبی باشند، چراکه کارنامه ننگینشان گواهی است بر این امر که هرگز دست از دست اربابانشان بیرون نکشیده اند و ذره ای از سرکوب خلق کوتاهی نکرده اند، اما هرگز انتخاب مردم آزادیخواه و بویژه زنان ستمدیده نبوده و نخواهند بود. عملکرد تمام حکومتها و جریانات و احزاب مذهبی در سراسر جهان نشان داده که غیر از سرکوب لجام گسیخته و بردگی عریان، هیچ ارمانی برای زنان ندارند. مردم هرگز فجایع تاریخی را که این واپسگرایان اسلامی در افغانستان، ایران، پاکستان و... بار آوردند، فراموش نخواهند کرد!

مرتجعین تا زمانی مورد حمایت امپریالیستها قرار می گیرند که منافع اربابانشان را تامین کنند و وقتی تاریخ مصرفشان تمام می شود، وجودشان مزاحمی است که باید کنار زده شود. قدر مسلم زنان افغانستان هیچ منفعتی در این آوردن و بردن ندارند و علیرغم تبلیغات دروغین آمریکا و برخی جریانات دنباله رو، رهایی شان از ستم جنسی و طبقاتی و ملی تحت حکومت هیچیک از نوکران امپریالیست ها و با دنباله روی از هیچیک از این مرتجعین زن ستیز متحقق نخواهد شد.

زنان افغانستان نه تنها باید علیه تجاوزات آمریکا و متحدینش به مبارزه برخیزند و نگذارند که آنان سرنوشت مردم افغانستان را تعیین کنند، بلکه باید همزمان مبارزه خود را علیه کلیه گروهها و احزاب ارتجاعی اسلامی به پیش برند. مبارزه علیه مرتجعین، بخش لاینفکی از مبارزه علیه امپریالیسم است. هم باید فریبکاریها و جنایات امپریالیستها را افشا نمود و هم مرتجعین را.

اینکه طرحها و نقشه ها و خواب و خیالهای دشمنان داخلی و خارجی مردم افغانستان به پیش رود یا خیر، اساسا به مقاومت آگاهانه مردم افغانستان و مردم سراسر جهان در مقابل این جنگ تجاوزکارانه بستگی دارد. در این مبارزات، نقش نیروهای انقلابی و مترقی، تعیین کننده است. تنها از طریق این مبارزات است که می توان انتظار داشت که آینده روشنی سرنوشت کشور افغانستان را رقم زند.

از اینرو دمیدن به آتش مبارزات توده ای که در گوشه و کنار جهان علیه این جنگ تجاوزکارانه براه افتاده وظیفه هر زن و مرد انقلابی و شرافتمند است. زنان ایرانی و افغانستانی که از تجربه زندگی و مبارزه تحت حکومت‌های مذهبی برخوردارند و سالها از نزدیک شاهد حمایت مستقیم و غیرمستقیم امپریالیست‌ها از این حکومتها بوده اند، نقش و مسئولیت ویژه ای بر عهده دارند. آنان می توانند و باید در صف مقدم این مبارزات قرار گیرند.

**«هشت مارس»**